

تصمیمات قضائی

۱ - جزائی

حکم شماره $\frac{۳۶۲۳}{۳۷/۱۸/۸}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گزارش کار - دادستان استان یک و دو طی شماره ۳۰۹۹۷ چنین گزارش داده که در مورد دادخواست فرجام ماهوی بموجب ماه ۳۰، آئین دادرسی جزائی ارتجاعاً بدون طرح پرنده بعنوان فرجام دادرسی استان با متهم از طرف دادستان دیوانعالی کشور بعمل میآید آراء متناقض از شعب مختلف دیوانعالی کشور صدور یافته باین معنی که شعبه پنجم اینگونه درخواست فرجام ماهوی را رد نموده ولی شعبه نهم بموجب رأی شماره ۲۱۵۵ چنین درخواست فرجامی را قبول و رسیدگی ماهوی بعمل آورده است - با مراجعه به پرونده های فرجامی شماره ۲۴ - ۲۶۳۱ که منجر بحکم شماره ۲۱۵۵ - ۳۴/۷/۲۶ از شعبه نهم دیوانعالی کشور گردیده مسلم است که شعبه مزبور تقاضای فرجام ماهوی دادستان کل کشور را رأساً قابل رسیدگی تشخیص و امکان رسیدگی باینگونه تقاضاها را منوط به وجود درخواست فرجام عادی دادستان استان با متهم و با لزوم تقدیم دادخواست فرجامی و مهلت مقرر در ماده ۳۲ قانون اصول محاکمات جزائی ندانسته و برای اینگونه تقاضاهای فرجامی همان قید مذکور در ماده ۳۰ مکرر و آئین دادرسی کیفری که یک نوبت برای هر موضوع باشد کافی تشخیص داده اند در صورتیکه در پرونده شماره ۱۰ - ۱۸۶۰ که منجر بحکم شماره ۳۹۶۸ - ۳۰/۹/۲۰ از شعبه ۵ دیوانعالی کشور گردیده با استدلالی که ذیلاً نقل میشود تصمیمی مخالف نظر شعبه ۹ دیوانعالی گرفته شده است زیرا بموجب حکم اخیر تقاضای فرجام دادستان کل اعم از ماهوی یا معمولی بملاحظه آنکه در خارج از مدت تقدیم شده رد گردیده باین استدلال که (چون از مرسله مورخ ۲۹/۸/۲۲ دادستان استان تقاضای رسیدگی فرجامی استفاده نمیشود و بیش از این دلالت ندارد که از دادستان کل تقاضا نموده اند لدی الاقتضاء بر حسب ماده ۳۰ مکرر اصول محاکمات جزائی فرجام ماهوی بخواهند و ماده بر قوم ناظر است بموردی که از حکم دادگاه تقاضای فرجام معمولی شده باشد تا مدعی العموم دیوان تمیز در صورت تشخیص مخالفت اصول و کیفیاتی که دادگاه مستند استنباط خود قرار داد با شواهد و دلائل و قرائن موجوده در پرونده بتواند از این حیث فرجام ماهوی بخواهد) بنا بر مراتب اختلاف نظر بین شعبه نهم و پنجم دیوانعالی محرز باین معنی که شعبه ۵ امکان جریان دادخواست فرجام ماهوی دادستان کل را که طبق ماده ۳۰ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری بعمل میآید منوط بر این میدانند که درخواست فرجام معمولی بعمل آمد و رعایت مهلت مقرر در ماده ۳۲ شده باشد در صورتیکه شعبه نهم معتقد است که درخواست فرجام ماهوی دادستان کل بدون وجود درخواست فرجام معمولی از ناحیه دادستان یا متهم و با رعایت مهلت قابل جریان است چون با توجه

تصمیمات قضائی

به آرائی که شماره و تاریخ و خصوصیات آنها فوقاً بعرض رسید اختلاف نظر بین شعبه ه و ۹ دیوانعالی کشور محرز است چنانچه مقتضی بدانند موضوع را در هیئت عمومی دیوانعالی کشور طرح فرمایند تا نظر واحدی اتخاذ شود.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل و معاون اول دادسرا و رؤساء و مستشاران دیوان مزبور تشکیل است پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و استماع بیانات آقای دادستان کل که مبنی بر تأیید حکم شعبه ه دیوانعالی کشور بود مشاوره بعمل آمده و بشرح زیر رأی میدهند.

قبول تقاضای فرجام ماهوی دادستان در صورتیکه هیچ یک از طرفین دعوی فرجام نخواستند باشند دیوان کشور پس از انقضاء مدت و مهلت مذکور در ماده ۴۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری مجوز قانون ندارد زیرا با صراحت ماده مرقوم باینکه هرگاه هیچ یک از اشخاص مذکور در ماده فوق تقاضای فرجام نکرده باشند دادستان دیوان کشور فقط تا یکماه از تاریخ اعلام حکم در دادگاه حق تقاضای فرجام خواهد داشت و با اطلاق و تعمیم مفاد ماده مزبور تقاضای دادستان دیوان کشور منصرف بفرجام عادی و ماهوی نیز خواهد بود و بنا بر این پذیرفتن درخواست فرجام دادستان کشور از طرف شعبه ۹ دیوان مزبور پس از انقضاء مدت مذکور مخالف صریح ماده فوق بوده است این رأی بدستور ماده واحده مربوط بوحدهت رویه قضائی صادر و برای محاکم دادگستری لازم الاتباع میباشد.

۲ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۱۵۴۴}{۳۶/۸/۸}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

در مورد ضمانت دادخواست فرجامی و قرار رد دادخواست در آن باره از دو شعبه سوم و هشتم سابق دیوانعالی کشور دورای متناقض بشرح ذیل صادر شده است: شعبه هشتم بموجب رأی شماره ۶۲۵-۱/۲۲-۱۳۲۷ پیوست قرار رد دادخواست فرجامی را که بعلت ضمیمه نشدن رونوشت حکم فرجام خواسته پس از رؤیت اخطاریه رفع نقص از طرف فرجام خواه و انقضای مهلت قانونی صادر شده بوده است و باستدلال اینکه ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی که مورد استفاده فرجام خواه میباشد ناظر است باوراق بدوی دعوی و شامل حکم فرجام خواسته که از ضمانت قانونی دادخواست فرجامی است نمیشد استوار نموده اند - و شعبه سوم دیوانعالی کشور بموجب رأی شماره ۸۵۱ - ۱۳۲۴/۴/۲۸ پیوست قرار رد دادخواست فرجامی که بعلت ضمیمه نشدن رونوشت قرار فرجام خواسته در مهلت قانونی صادر شده بوده است را باستدلال اینکه برحسب مستفاد از ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی لازم بوده است مدیر دفتر رونوشت قرار را تهیه نموده و مخارج آنرا از فرجام خواه

تصمیمات قضائی

وصول نماید قرار مورد شکایت را فسخ نموده‌اند علیهذا بموجب ماده واحده مربوط بوحدهت رویه قضائی مصوبه تیر ماه ۱۳۲۸ موضوع قابل طرح در هیئت عمومی دیوانعالی کشور میباشد.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور در ساعت پنج بعد از ظهر بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور معاون اول دادسرای دیوان مزبور و آقایان رؤسا و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل است:

پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و کسب عقیده آقای معاون دادسرا که سببی بر تأیید نظریه شعبه ۸ دیوانعالی کشور بوده مشاوره نموده و با مدافعه در مواد مربوطه باتفاق آراء بشرح زیر رأی میدهند.

طبق ماده ۵۳۴ آئین دادرسی مدنی تهیه کسری نسخ دادخواست فرجامی و پیوستهای قانونی آن (لایحه اعتراضی و رونوشت حکم یا قرار مورد شکایت) بعهده دادخواست دهنده است و خودداری وی از تسلیم برگهای مزبور در مدت مقرر برای رفع نقص موجب رد دادخواست خواهد بود و با تصریح مذکور دستور مشروح در قسمت اخیر ماده ۱۱۱ و همچنین دستور مرقوم در ماده ۱۸۳ آن قانون که بدون صدور اخطار رفع نقص تهیه کسری پیوستهای لایحه پاسخ خواننده از دعوی و نیز کسری نسخ دادخواست اعتراض بحکم غیابی و پیوستهای دادخواست مذکور را وظیفه دفتر قرار داده مخصوص بموارد مزبور است و در مورد دادخواست فرجامی و پیوستهای آن قابل استناد نیست بنا بر این استدلال شعبه سوم در حکم شماره ۸۵۱ بر آقای قرار رد دادخواست بعدم رعایت قسمت اخیر ماده ۱۱۱ از طرف دفتر بیوجه و تسلیم نگردیدن برگهای مذکور از طرف فرجام خواه در مدت مقرر برای رفع نقص موجب رد دادخواست خواهد بود و دفتر تکلیفی در تهیه کسری اوراق دادخواست فرجامی و پیوستهای قانونی آن ندارد.